

# تأثیر حضور ایالات متحده آمریکا در عراق و سوریه بر سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای ایران

بهرام مرادی

## چکیده

این پژوهش درصدد واکاوی تأثیر حضور ایالات متحده آمریکا در عراق و سوریه بر سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که حضور ایالات متحده در این دو کشور منطقه خاورمیانه‌ای که دارای اهمیت استراتژیکی برای جمهوری اسلامی ایران هستند، چه تأثیراتی بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران داشته است؟ فرضیه این پژوهش عبارت است از اینکه حضور ایالات متحده در این دو کشور موجب احساس تهدید از سوی ایران شده و این مسئله موجب اثرگذاری بر سیاست‌های منطقه‌ای کشور شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از آنجایی که دو اصل سازمان بخش‌آرشی و عدم تمایز مارکردی واحدها در نظام بین‌الملل ثابت هستند، جمهوری اسلامی برای مقابله با ایالات متحده تلاش کرده است تا در سطح توزیع توانمندی، قابلیت‌های خود را افزایش دهد. لذا پژوهش حاضر واقع‌گرایی ساختاری یا به عنوان چارچوب نظری انتخاب نموده است. این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، عراق، سوریه، واقع‌گرایی ساختاری.

پروژه‌های علمی و مطالعات فرآیندی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تحت تأثیر عوامل و مؤلفه‌های متعددی قرار دارد. برای بررسی و تحلیل هر کدام از این راهبردها می‌توان نظریات متعدد و مختلفی را به کار گرفت. از آنجایی که بخش زیادی از سیاست‌های منطقه‌ای و خارجی کشورها در واکنش به محیط بین‌الملل و کنش سایر کنشگران قوام می‌یابد، می‌توان نظریه رئالیسم ساختاری یا نواقع‌گرایی را یکی از برجسته‌ترین نظریات در بررسی راهبردها و سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌ها در محیط بین‌الملل دانست.

نظریه واقع‌گرایی ساختاری یک نظریه سیاست بین‌الملل است که کانون توجه خود را بر روی سطح تصویر سوم یا سطح کلان قرار می‌دهد. در این نظریه محیط سیاسی بین‌المللی وضعیتی آنارشیک دارد که دولت‌ها همواره با قرار دادن دو اصل بی‌اعتمادی و خودیاری به دنبال بیشینه‌سازی قدرت و تضمین بقا هستند. راهبردهای متعددی در راستای تحقق بیشینه‌سازی قدرت ممکن است توسط دولت‌ها اتخاذ شود.

از آنجایی که این پژوهش در نظر دارد به بررسی تأثیر حضور ایالات متحده آمریکا در دو کشور خاورمیانه‌ای عراق و سوریه که از متحدان منطقه‌ای ایران و حوزه نفوذ این کشور محسوب می‌شوند، بپردازد، نظریه رئالیسم ساختاری به عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده است. بر اساس این نظریه حضور ایالات متحده در این دو کشور سوریه و عراق موجب احساس نگرانی و تهدید از سوی ایران شده است. بر این اساس وضعیت آنارشی و دو اصل بی‌اعتمادی و خودیاری موجب می‌شود جمهوری اسلامی ایران از طرق مختلف سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای خود را به گونه‌ای تنظیم کند که نه تنها بقای این کشور را تضمین کند، بلکه موجب افزایش قدرت این کشور شود.

ایجاد و تقویت گروه‌های نیابتی، تقویت پیوندهای سیاسی، دفاعی و نظامی با مسکو و همچنین افزایش بنیه موشکی را می‌توان از جمله سیاست‌های منطقه‌ای ایران در برابر حضور ایالات متحده در دو کشور عراق و سوریه دانست که بر اساس رئالیسم ساختاری قابلیت بررسی و تبیین را دارند. با این رویکرد این پژوهش در نظر دارد سیاست‌های منطقه‌ای ایران را در برابر حضور ایالات متحده در دو کشور عراق و سوریه مورد بررسی قرار دهد.

## ۲. چارچوب نظری

واقع‌گرایی<sup>۱</sup> یکی از اصلی‌ترین نظریات روابط بین‌الملل<sup>۲</sup> است که به دلیل نزدیکی با عملکرد سیاستمداران در عرصه بین‌المللی به مهمترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل تبدیل شده است. از دیدگاه متفکران واقع‌گرا چشم‌انداز ارائه شده در این نظریه کاملاً با واقعیات بین‌المللی همخوانی دارد. این دسته از اندیشمندان معتقدند وجود یک سنت دیرینه واقع‌گرایانه بیانگر تداوم و پایداری واقعیات سیاست بین‌الملل<sup>۳</sup> است. از سوی دیگر برخی از صاحب‌نظران واقع‌گرایی را سنتی برساخته می‌دانند که گویا این نظریه مکتبی یک‌پارچه و بدون تناقض است (مشیرزاده ۱۳۹۱، ۷۳).

هرچند اعتقاد بر این است که پس از شکست لیبرالیسم<sup>۴</sup> در جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دوم، واقع‌گرایی به‌مثابه نظریه قدرت پای به عرصه روابط بین‌الملل گذارده است، اما می‌توان رگه‌هایی از این اندیشه سیاسی را در گذشته‌های بسیار دور جست‌وجو کرد. در یونان باستان توسیدید<sup>۵</sup> از نخستین اندیشمندانی محسوب می‌شود که رگه‌هایی از واقع‌گرایی در اندیشه وی وجود دارد. شون دزو<sup>۶</sup> و منسیوس<sup>۷</sup> در چین باستان و کاتیلیا<sup>۸</sup> از دیگر اندیشمندانی محسوب می‌شوند که در مشرق زمین نظریات خود بر پایه واقع‌گرایی بنا نهادند. توماس هابز نیز با مطرح کردن این مسئله که میثاق‌ها بدون شمشیر نمی‌توانند انسان‌ها را حفظ کنند، در زمره اندیشمندان واقع‌گرا قرار می‌گیرد (مشیرزاده ۱۳۹۱، ۷۴-۷۹). برخی دیگر نیز آراء ماکیاولی را معروف‌ترین برداشت واقع‌گرایانه از سیاست می‌دانند (بشیریه ۱۳۸۶، ۸۵).

واقع‌گرایی به معنای مدرن آن محصول واکنشی کلان به ناکارآمدی لیبرالیسم در جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. این رویکرد در اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ وارد عرصه روابط بین‌الملل شد. رفتارگرایان در دهه ۱۹۶۰ از منظر روش‌شناختی این رویکرد را به چالش کشیدند و در دهه ۱۹۷۰ واقع‌گرایی در قالب نظریه نوواقع‌گرایی<sup>۹</sup> ظاهر شد (قوام ۱۳۹۲، ۷۹).

نوواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری<sup>۱۰</sup> یک تئوری روابط بین‌الملل است که قدرت را به عنوان مهمترین عامل در روابط بین‌الملل در نظر می‌گیرد. این نظریه برای نخستین بار توسط کنت والتز<sup>۱</sup> در کتاب

- 1 Realism
- 2 International Relations
- 3 International Politics
- 4 Liberalism
- 5 Thucydides
- 6 Chun Tzu
- 7 Mencius
- 8 Kautyilia
- 9 Neorealism
- 10 structural realism

نظریه سیاست بین‌الملل (۱۹۷۹) مطرح شد. بنیان نظریه والتز این است که چرا دولت‌ها در نظام بین‌الملل به رغم تفاوت‌های سیاسی - ایدئولوژیک رفتار مشابهی در عرصه محیط بین‌الملل دارند (مشیرزاده ۱۳۹۱، ۱۱۳). از دیدی وی این شباهت‌ها به رغم وجود اختلافات زیاد در پویایی‌های داخلی موجب می‌شود که رویکردی ساختاری - سیستمی در تحلیل روابط بین‌الملل متجلی شود. از دید واقع - گرایان ساختاری، ساختار موجب ایجاد محدودیت در رفتار دولت‌ها می‌شود. جامعه‌پذیری کنشگران و رقابت میان آن‌ها دو وجه فرآیند غیرمستقیمی هستند که ساختار با آن کار می‌کند. جامعه‌پذیری این است که دولت‌ها به تدریج با توجه به پاداش‌ها و مجازات‌هایی که در برابر رفتارهای مخالف خود دریافت می‌کنند رفتار مناسب را درمی‌یابند و همین مسئله موجب شباهت در رفتارهای آن‌ها می‌شود. رقابت نیز به این دلیل که دولت‌ها ناچارند برای حفظ قدرت خود در برابر سایرین رقابت کنند موجب شکل‌گیری شباهت‌های رفتاری می‌شود (Frankel and Waltz 1980: 600-601)؛ بنابراین ساختار جدا از پویایی‌های داخلی رفتار دولت‌ها را مشخص می‌کند (Griffiths 1992: 82).

از دید واقع‌گرایان به‌طور کلی مهمترین شاخصه محیط بین‌المللی سرشت آنارشیک<sup>۲</sup> آن است. آنارشی در میزان و حوزه‌های همکاری میان دولت‌ها ایجاد محدودیت می‌کند. بر این اساس، امکان همکاری بسیار کم و اگر همکاری‌های اقتصادی نیز وجود دارد بیشتر تابع منافع سیاسی دولت‌ها است. توزیع دستاوردهای ناشی از همکاری نیز یکی از نگرانی‌های همیشگی دولت‌ها است و از دید آن‌ها دستاوردهای نسبی بیش از دستاوردهای مطلق حائز اهمیت هستند (Griffiths 1992: 83)؛ بنابراین، آنچه که موجب تغییر و تحول در نظام بین‌الملل می‌شود، تغییر در منافع و قدرت نسبی دولت‌های اصلی در محیط بین‌الملل و یا تغییر در روابط قدرت است به نحوی که منجر به دگرگونی توزیع نسبی قدرت شود و در غیر این صورت نظام در حالت تعادل باقی می‌ماند (Gilpin 1981).

هر چند نواقعی گرای مفاہیم، اصول و مفروضه‌های اصلی واقع‌گرایی کلاسیک مانند قدرت، موازنه قوا، وضعیت آنارشی، وجود وضع طبیعی در نظام بین‌الملل، کشورمحوری، یکپارچگی و تلقی دولت‌ها به‌مثابه بازیگر خردمند را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد، اما از جهات بسیاری با این نظریه تفاوت دارد. برخلاف واقع‌گرایی کلاسیک، نواقعی‌گرایی در سطحی کلان یا تصویر سوم است که رویکردی برون به درون به نتایج و سیاست بین‌الملل دارد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۱، ۳۴). درحالی‌که واقع‌گرایی برسرشت و ذات جنگ‌طلب انسان تکیه می‌کند، نواقعی‌گرایی سطح تحلیل خود را ساختار نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و به میزان زیادی جبرگراست. به علاوه، عدم توجه نواقعی‌گرایی به پویایی‌های داخلی را

1 Kenneth Waltz

2 Anarchy

می‌توان از دیگر تفاوت‌های این نظریه با واقع‌گرایی کلاسیک برشمرد. جدول زیر نشان دهنده تفاوت‌های این دو نظریه است.

تفاوت‌های واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی	
واقع‌گرایی کلاسیک	نواقع‌گرایی
تمرکز بر سرشت و ذات قدرت‌طلب انسان	تمرکز بر ساختار نظام بین‌الملل
توجه به پویایی‌های داخلی	عدم توجه به پویایی‌های داخلی
آنارشی: محیط و وضعیتی که کشورهای دارای حاکمیتی در آن اقدام می‌کنند	آنارشی به مثابه روابط اجتماعی میان دولت-ملت‌های دارای حاکمیت که عامل تنظیم‌کننده سیاست خارجی است
نقش و آزادی عمل دولت‌ها در سیاست بین‌الملل	جبرگرایی ساختاری در نتایج سیاست بین‌الملل

از دید واقع‌گرایان ساختار نظام بین‌الملل به وسیله یک اصل نظام‌بخش و توزیع مقدرات بین‌المللی و توانایی واحدها تشکیل می‌شود. این اصل نظام‌بخش آنارشی است (Frankel and Waltz 1980; Waltz 1979: 27). ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل مهم‌ترین عامل مقوم سیاست بین‌الملل، انگیزه و منبع ترجیحات و رفتار سیاست خارجی کشورها در نظام بین‌الملل است.

آنارشی به معنای وجود هرج‌ومرج و جنگ فراگیر در نظام بین‌الملل نیست بلکه به معنای اصلی سازمان‌یافته است که بیان‌کننده فقدان یک اقتدار فائده و مرکزی در محیط بین‌المللی است. ب عبارت دیگر در نظام بین‌الملل هیچ حاکمیتی و رای حاکمیت دولت‌ها وجود ندارد و آنارشی از دید نواقع‌گرایان در این معنی تجلی می‌یابد (Waltz 1979: 24; Mearsheimer 1994: 10). پیامد مستقیم وضعیت آنارشی بی‌اعتمادی و سوءظن است. این مسئله که داور بی‌طرف و قدرت فائده‌ای و رای حاکمیت دولت‌ها وجود ندارد موجب می‌شود ترس از جنگ و تجاوز همواره برای کشورها وجود داشته باشد.

در شرایط آنارشی امنیت کالایی نادر محسوب می‌شود و تضمین بقا برای کشورها از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. به دلیل عدم وجود یک قدرت مرکزی و مسلط در نظام بین‌الملل و یا داور بی‌طرف، دولت‌ها ناگزیرند از طریق خودیاری بقای خود را تضمین کنند. در راستای کسب قدرت به‌مثابه ابزاری برای تأمین امنیت و تضمین بقا در شرایط آنارشی، هر چه قدر و برتری نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی نیز بالاتر خواهد بود (Waltz 1979; Waltz 1999; Frankel and Waltz 1980).

دولت‌ها از طرق گوناگون سعی در افزایش قدرت خود خواهند نمود. در چارچوب نواقع‌گرایی مساعی دولت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود: مساعی داخلی شامل؛ افزایش توانایی‌های اقتصادی، نظامی و توسعه

استراتژی‌های هوشمندانه و مساعی خارجی که به تقویت اتحادهای خودی و تضعیف اتحادهای طرف مقابل می‌انجامد (قوام ۱۳۹۲، ۸۸). تمام دولت‌های موجود در نظام بین‌الملل از نظر کارکردی به واسطه وجود فشارهای ساختاری، در وضعیت مشابهی به سر می‌برند. بدین ترتیب وضعیت آنارشی باعث تحمیل نظم و روشی به دولت‌ها می‌شود. از جمله اینکه دولت‌ها پیش از هر چیز باید برای بقای خویش به دنبال امنیت باشند (قوام ۱۳۹۲، ۸۹). این وضعیت در شرایطی که دو دولت متخاصم در حوزه نفوذ یکدیگر اقدام به مداخله نمایند شدیدتر خواهد شد.

نواقعی‌گرایی نیز یک نظریه کل و واحد نیست بلکه به دو نوع تدافعی<sup>۱</sup> و تهاجمی<sup>۲</sup> تقسیم می‌شود. نواقعی‌گرایی تدافعی برگرفته از نظریه سیاست بین‌الملل کنت والتز است که ادعا دارد ساختار آشوب‌زده نظام بین‌الملل دولت‌ها را تشویق می‌کند تا برای افزایش امنیت خود به اتخاذ سیاستی میان‌رو و مدارایی روی آورند. فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی کم و بیش «خوش‌خیم» است امنیت چندان نایاب نیست. دولت‌ها رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است (مشیرزاده ۱۳۹۱، ۱۳۳).

واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که آنارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت (یا نفوذ) نسبی خود را به حداکثر برسانند. امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هرگز قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند (مشیرزاده ۱۳۹۱، ۱۳۰). این نظریه در ابتدا توسط جان مرشایمر مطرح شد (Toft 2005: 381). این نظریه نیز با توجه به مبنای واقع‌گرایی خود مدعی است که آشوب‌زده بودن نظام جهانی باعث رفتار تهاجمی دولت‌ها در سیاست بین‌الملل است. این نظریه اساساً با نظریه واقع‌گرایی دفاعی که توسط کنت والتز بیان شده در تضاد است.

### ۳. حضور ایالات متحده در عراق و سوریه

با پایان جنگ جهانی دوم ایالات متحده با استفاده از تضعیف قدرت‌های اروپایی توانست خود را به عنوان ابرقدرت برتر در صحنه نظام بین‌الملل معرفی نماید. ضعف ناشی از جنگ، هزینه‌های اقتصادی تحمیل‌شده به قدرت‌های اروپایی مانند پادشاهی بریتانیا و ... موجب شد این کشورها به میزان زیادی از مداخلات خود در نقاط مختلف جهان بکاهند. این مسئله موجب شد ایالات متحده به عنوان قدرت جدید جهانی مداخلات خود را در نقاط مختلف جهان افزایش دهد. خاورمیانه به عنوان یک منطقه استراتژیک

1 defensive realism

2 Offensive realism

و غنی از نظر منابع انرژی به سرعت مورد توجه ایالات متحده قرار گرفت. مواردی مانند کمک به تصویب قطعنامه وجود دو دولت در فلسطین در سال ۱۹۴۷، حمایت از کودتای نظامی ۱۹۴۹ در سوریه، کودتای ۱۹۵۳ در ایران، دخالت در حمله ۱۹۵۶ بریتانیا و فرانسه به کانال سوئز، تلاش برای سرنگونی حکومت نوپای عراق و ترور عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۰، حمله نظامی به عراق در سال ۱۹۹۱ و ... از جمله دخالت‌های ایالات متحده در خاورمیانه محسوب می‌شود.

نقطه عطف حضور ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه و افزایش مداخلات در این منطقه به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد. پس از این حادثه تروریستی دولت جمهوری خواه ایالات متحده به ریاست جمهوری بوش پسر با انتساب این حملات به القاعده به افغانستان حمله نظامی کرد. پس از سقوط رژیم طالبان در افغانستان، در سال ۲۰۰۳ ایالات متحده به بهانه از بین بردن تسلیحات نامتعرف و شیمیایی به عراق حمله کرد و با سقوط رژیم صدام حسین در این کشور فرماندهی نظامی آمریکا در عراق مسئولیت اداره موقت این کشور را بر عهده گرفت.

دولت موقت عراق توسط ایالات متحده و متحدانش به عنوان دولت سرپرست این کشور ایجاد شد. وظیفه این دولت اداره عراق تا زمانی بود که پیش‌نویس قانون اساسی این کشور با انتخابات مجلس ملی این کشور در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ تهیه شود. این دولت در ۸ تیر ۱۳۸۳ جایگزین حکومت ائتلاف موقت (و شورای حکومتی موقت عراق) شد. کمتر از یک سال بعد در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۴ جای خود را به دولت انتقالی عراق داد (Ottaway 2009: 1). لونیس پل برمر ۱۱ مه ۲۰۰۳ تا ۲۸ ژوئن ۲۰۰۴ به عنوان رئیس کشور عراق خدمت کرد (Papagianni 2005: 750).

همزمان با جنگ آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی صدام، بیش از ۱۷۳ هزار نیروی خارجی وارد عراق شدند که ۱۵۰ هزار نفر از آن‌ها، آمریکایی بودند. در سال ۲۰۱۱ نیز بر اساس توافق واشنگتن و بغداد، حضور نیروهای آمریکایی در عراق پایان یافت و همه نیروهای آمریکایی این کشور را ترک کردند تا اینکه در سال ۲۰۱۴ همزمان با تشکیل ائتلاف ضد داعش به فرماندهی آمریکا، بار دیگر این حضور تقویت شد. در حال حاضر ۶۰۰۰ نیروی آمریکایی به بهانه مبارزه با تروریسم و آموزش و مشاوره نظامی و امنیتی در عراق حضور دارند و علاوه بر آن یک سری نیروهای ویژه برای انجام مأموریت‌های مختلف در داخل خاک عراق و سوریه مستقر هستند. در سال ۲۰۱۴، ۱۱ هزار نظامی خارجی وارد عراق شدند که ۷۰ درصد از آن‌ها آمریکایی بودند و اکنون پس از پیروزی عراق بر داعش، تعداد نیروهای خارجی به هشت هزار نفر کاهش پیدا کرده است که از این میان شش هزار نفر نظامی آمریکایی هستند (Garamone 2014). علاوه بر این، ایالات متحده همچنین تعدادی پایگاه نظامی در عراق ایجاد نموده است که در نقشه زیر نشان داده شده است.

## پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در عراق

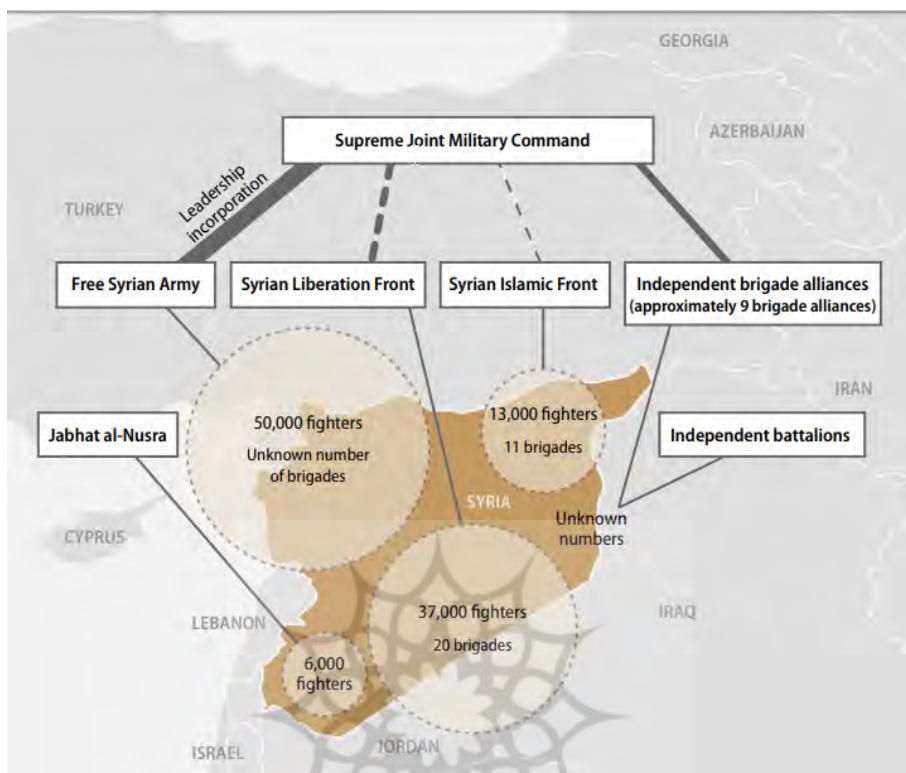


Source: <https://militarybases.com/overseas/iraq/>

با آغاز اعتراضات نسبت به حکومت اسد در سوریه در سال ۲۰۱۱ ایالات متحده مداخلات خود را در این کشور آغاز کرد. باراک اوباما در آگست ۲۰۱۱ خواستار استعفای بشار اسد از ریاست جمهوری سوریه شد (Itani and Rosenblatt 2018). هدف عمده ایالات متحده در سوریه تضعیف محور اتحاد ایران، سوریه و حزب الله بوده است (Yadlin and Golov 2013:1). ایالات متحده برخلاف مداخله مستقیم نظامی در عراق، در سوریه شش استراتژی عملیاتی را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از: افزایش آمادگی در کنار مسلح نمودن شورشیان (حتی در خارج از سوریه)؛ حملات محدود به اهداف نظامی و دولتی؛ اعلام مناطق پرواز ممنوع؛ غیرمسلح کردن مرزهای مجاور با اردن و ترکیه؛ حملات مستمر هوایی به مناطق و اهدافی که اسد از آن‌ها برای مبارزه با شورشی‌ها استفاده می‌کند و به دست آوردن کنترل تسلیحات شیمیایی و از بین بردن آن‌ها در سوریه (Yadlin and Golov 2013: 2-4).

ایالات متحده در سوریه از گروه‌های مسلح مختلفی نیز حمایت و تسلیحات آنان را نیز تأمین می‌کند. ایالات متحده در این راستا با ایجاد یک سازمان یکپارچه که همه گروه‌های معارض و مخالف را در بر می‌گیرد اقدام به مشروعیت بخشی به گروه‌های سیاسی مخالف دولت سوریه نموده است. این فرماندهی واحد به صورت لجستیکی و تسلیحاتی مورد حمایت ایالات متحده قرار دارد (Sofer and Shafroth 2013: 1-2). شکل زیر نشان‌دهنده ساختار گروه‌های معارض در سوریه با یک فرماندهی واحد مورد حمایت ایالات متحده است.





#### ۴. سیاست‌های منطقه‌ای ایران بر اساس حضور ایالات‌متحده در عراق و سوریه

جمهوری اسلامی به موازات حضور ایالات‌متحده در خاورمیانه به‌طور کلی و عراق و سوریه به صورت خاص، اقدام به طرح و پایه‌ریزی سیاست‌های منطقه‌ای خاصی نموده است. عمده تلاش جمهوری اسلامی در این راستا حول محور مقابله با ایالات‌متحده و تقویت حضور خود در منطقه بوده است. تقویت محور مقاومت؛ ایجاد و تقویت گروه‌های نیابتی در عراق، افغانستان، یمن و سوریه؛ تقویت پیوندهای دیپلماتیک، سیاسی و نظامی با مسکو؛ و ترغیب مسکو برای حضور در خاورمیانه را می‌توان از جمله سیاست‌های منطقه‌ای ایران در برابر حضور ایالات‌متحده در عراق و سوریه دانست.

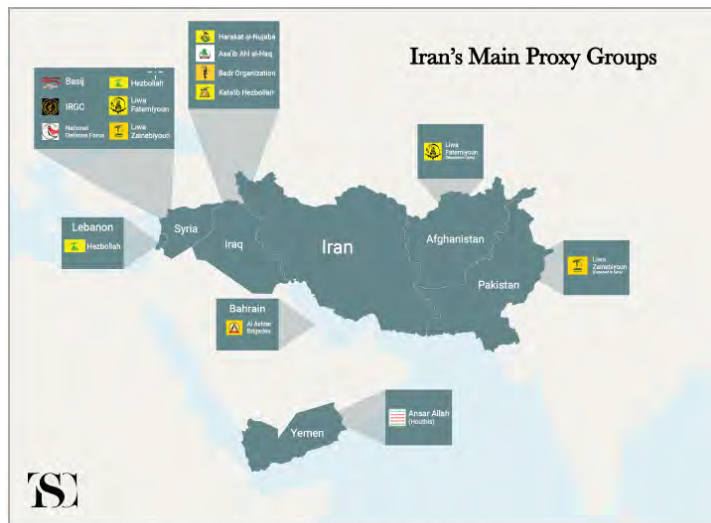
محور مقاومت<sup>۱</sup>؛ مهم‌ترین و عمده‌ترین واکنش منطقه‌ای ایران به حضور ایالات‌متحده در عراق و سوریه تقویت محور مقاومت بوده است. محور مقاومت حاصل پیوند ایران، سوریه، شبه‌نظامیان شیعی لبنانی و شبه‌نظامیان شیعی عراقی (پس از ۲۰۰۳) است (Blair and Spencer 2012). تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ موجب نگرانی فزاینده ایران و سوریه، دو متحد استراتژیک در خاورمیانه، شد که

1 Axis of Resistance

اتحاد این دو کشور را بیش از پیش تقویت کرد. در ژوئن ۱۹۸۲ و پس از تهاجم اسرائیل به لبنان ایران از طریق بسیج شیعیان لبنانی به مبارزه با اسرائیل و نیروهای غربی حاضر در این کشور پرداخت (Goodarzi 2013: 34-35). هدف این محور تحت هدایت و رهبری ایران مقابله با غرب به ویژه ایالات متحده و اسرائیل است (Sullivan 2014: 9-10).

با وقوع بهار عربی و اعتراضات داخلی در سوریه، این کشور که از متحدان وفادار منطقه‌ای ایران محسوب می‌شد دچار جنگ داخلی شد. دخالت قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه موجب نگرانی فزاینده ایران در خصوص از دست رفتن متحد منطقه‌ای خود شد. در سال ۲۰۱۲ پیوندهای بین عناصر این محور به دنبال دیدار رئیس‌جمهور سوریه، بشار اسد و مشاور امنیت ملی ایران، سعید جلیلی، مجدداً تقویت شد (CBS News 2012). در همین دوره زمانی شیعیان عراقی نیز توسط ایران تجهیز و برای کمک به حفظ اسد به سوریه اعزام شدند (Mohseni and Kalout 2017). ایران طیف وسیعی از کمک‌های مالی، نظامی، مستشاری و لجستیکی را در راستای تقویت محور مقاومت ارائه داده است.

گروه‌های نیابتی: از دیگر سیاست‌های منطقه‌ای ایران در واکنش به حضور ایالات متحده، ایجاد و تقویت گروه‌های نیابتی در خاورمیانه بوده است. ایجاد و تقویت گروه‌های نیابتی در منطقه ستون غیرقابل انکار تقویت محور مقاومت از سوی ایران محسوب می‌شود. رهبران ایران به این نکته واقفاند که درگیر شدن در مناقشه نظامی بسیار هزینه‌بر و برخی مواقع، از جمله در تقابل با ایالات متحده، دارای ریسک بالایی است. بر این اساس، استراتژی ایران بر ایجاد و تقویت گروه‌های نیابتی در منطقه قرار گرفت که نقطه آغاز آن در سودان در دهه ۱۹۹۰ بود. با تهاجم ۲۰۰۳ ایالات متحده به عراق و سپس وقوع بحران سوریه حضور ایالات متحده در خاورمیانه پررنگ‌تر شد و ایران به تقویت بیش از پیش گروه‌های وفادار به خود پرداخت. در عراق سازمان بدر، کتائب حزب‌الله، عصاب اهل حق؛ در لبنان حزب‌الله، در افغانستان فاطمیون، در پاکستان زینبیون، در بحرین الاشر و در یمن حوثی‌های شمالی از سوی ایران تقویت و حمایت شدند (IRAN'S PLAYBOOK: Deconstructing Tehran's Regional Strategy 2019). در نقشه زیر گروه‌های نیابتی ایران در منطقه بر اساس موقعیت جغرافیایی و حوزه عملیاتی مشخص شده‌اند.



Source: Graph created using data collected and analyzed by the report authors.

تقویت پیوندهای دیپلماتیک، سیاسی و نظامی با مسکو: پس از سردی روابط تهران - مسکو در دوران مدودف، با به قدرت رسیدن پوتین فصل جدیدی از روابط گسترده بین دو کشور آغاز شد. مسکو بیشتر به دلیل اثرگذاری ژئوپولیتیکی به دنبال تقویت روابط با ایران و از سوی دیگر ایران نیز به واسطه افزایش توان خود در برابر ایالات متحده تمایل فراوانی جهت گرایش به همکاری‌های گسترده با روسیه دارد؛ بنابراین، روابط این دو کشور بیشتر بر مبنای نوعی اثرگذاری و بازدارندگی مبتنی است نه روابط دوجانبه (Kozhanov 2015: 4-5). پس از سقوط طالبان در افغانستان، تهاجم نظامی ۲۰۰۳ به عراق و بحران داخلی سوریه که منجر به حضور گسترده ایالات متحده در خاورمیانه شد، روابط ایران و روسیه نیز در ابعاد مختلف گسترده‌تر شد. اهمیت روسیه برای ایران به دلیل منبع مهم تأمین تسلیحاتی و افزایش وزن ایران در برابر ایالات متحده است (Freedman 2006: 9). به صورت مشخص در جنگ داخلی سوریه، تهران و مسکو دارای همکاری‌های نزدیک و گسترده‌ای برای حفظ اسد در قدرت هستند.

### تحلیل سیاست‌های واکنشی ایران بر اساس واقع‌گرایی ساختاری

حضور ایالات متحده در خاورمیانه، تهاجم نظامی به افغانستان و سپس عراق، درگیر شدن سوریه در جنگ داخلی حضور ایالات متحده در این کشور در کنار حمایت از برخی گروه‌های سکولار و غرب‌گرا موجب نگرانی و احساس تهدید از سوی ایران شده است. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که نگرانی و احساس تهدید کنشگران در ساختار نظام بین‌الملل را ایجاد می‌کند سرشت آنارشیک نظام بین‌الملل است. جمهوری اسلامی ایران به واسطه جنگ هشت‌ساله با عراق، هدف قرار گرفتن هوپیمای مسافربری ایرانی بر فراز خلیج فارس، تحریم‌های طولانی مدت ایالات متحده علیه این کشور، دو حمله ایالات متحده به عراق در

زمان بوش پدر و پسر که دومی موجب سقوط رژیم بعث در این کشور شد و موارد متعدد دیگری به شدت این محیط آنارشیک و تهدید را احساس کرده است (عابدی اردکانی و عسکری ۱۳۹۸، ۴۴۸).

به دنبال احساس تهدید در وضعیت آنارشی دو اصل بی‌اعتمادی و خودیاری توسط دولت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. این دو اصل در محیط سیاسی متشنج خاورمیانه با سرشتی آنارشیک موجب شده است جمهوری اسلامی ایران برای تضمین بقا و در راستای اصل خودیاری دست به پیشینه‌سازی قدرت بزند. این پیشینه‌سازی قدرت به طرق مختلفی صورت گرفته است. راهبرد نخست جمهوری اسلامی ایران برای پیشینه‌سازی قدرت ایجاد و تقویت گروه‌های نیابتی در منطقه بوده است. این رویکرد موجب بالا رفتن هزینه‌های احتمالی اقدامات ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌شود. گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی ایران از افغانستان تا عراق و لبنان این توانایی را دارند که پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در این کشورها را مورد هدف قرار دهند. بر این اساس جمهوری اسلامی از طریق شبکه‌سازی منطقه‌ای تلاش نموده است تا ضمن حفظ و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود در خاورمیانه، هزینه‌های احتمالی اقدام ایالات متحده علیه خود را بالا ببرد. به علاوه ایران همواره تلاش کرده است که راه‌های کمک‌رسانی زمینی و دریایی و هوایی خود را برای محافظت از متحدان خود تقویت کند. نقشه زیر نشان‌دهنده مسیرهای زمینی، دریایی و هوایی ارتباط جمهوری اسلامی ایران با گروه‌های مورد حمایت خود در منطقه است.

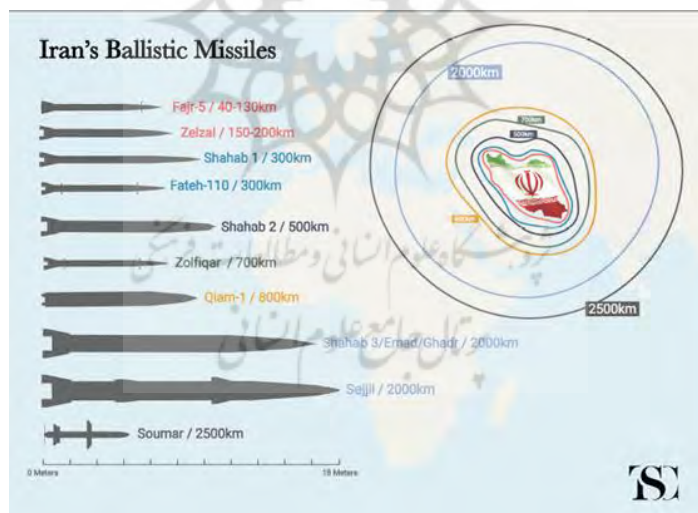


Source: Graph created using data collected and analyzed by the report authors.

علاوه بر تقویت گروه‌های نیابتی در منطقه جمهوری اسلامی تلاش کرده است تا از طریق افزایش مناسبات دیپلماتیک، سیاسی و نظامی خود با روس‌ها با ایالات متحده موازنه‌سازی کند. فدراسیون

روسیه به دلیل رقابت جهانی دیرینه با ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران به واسطه احساس تهدید و نگرانی از حضور این کشور در خاورمیانه به تقویت روابط خود پس از رکود نسبی در دوران مدودوف پرداخته‌اند. دوران حضور پوتین در کرملین را می‌توان به واسطه تحولاتی که در خاورمیانه، به ویژه حمله آمریکا به افغانستان و عراق در کنار حضور نظامی در سوریه، رخ داده است، دوران تحکیم روابط تهران - مسکو دانست. این دو کشور با در نظر گرفتن تهاجم نظامی به افغانستان و عراق با وقوع بحران سوریه به صورت مستقیم در این کشور برای حفظ اسد در قدرت مداخله کردند. با توجه به سیاست‌های اقتصادی روسیه در دوران پوتین مبنی بر بازسازی اقتصادی این کشور صادرات سلاح از روسیه به ایران افزایش یافته است (Freedman 2006: 2-5). جمهوری اسلامی ایران خرید تجهیزات نظامی را در راستای بیشینه‌سازی قدرت با تکیه بر اصل بی‌اعتمادی و خودیاری در محیط آنارشیک انجام داده است.

جمهوری اسلامی ایران در کنار تقویت گروه‌های نیابتی و افزایش مناسبات با مسکو، همزمان تقویت توان موشکی خود را در دستور کار قرار داده است. احساس ناامنی و تهدید و نگرانی در مورد بقا موجب شده است ایران ضمن تقویت توان موشکی خود برد موشک‌ها را نیز افزایش دهد. مقامات نظامی و سیاسی ایران همواره برنامه موشکی خود را برنامه‌ای بازدارنده و صرفاً دفاعی دانسته‌اند. شکل زیر شمایی کلی از توانایی‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد.



Source: Missile Defense Project, "Missiles of Iran," *Missile Threat*, Center for Strategic and International Studies, June 14, 2018, last modified

June 15, 2018, <https://missilethreat.csis.org/country/iran/>; Inton, Chris, and Simon Scarr. "Iran's Nuclear Gamble." *Reuters*. January 18,

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس رئالیسم ساختاری و تحت تأثیر حضور ایالات متحده در دو کشور عراق و سوریه مورد بررسی قرار گیرد. محیط سیاسی بین‌المللی در رئالیسم تهاجمی دارای سرشتی آنارشیک بوده و دو اصل بی‌اعتمادی و خودیاری نتیجه احساس ترس و تهدید در این محیط است. دولت‌ها بر اساس این دو اصل در وضعیتی آنارشیک دست به بیشینه‌سازی قدرت می‌زنند تا بقای خود را تضمین کنند. راهبردهای مختلفی برای بیشینه‌سازی قدرت ممکن است در دستور کار دولت‌ها قرار بگیرد.

عراق و سوریه به عنوان دو کشوری که جمهوری اسلامی ایران در آن‌ها دارای نفوذ است برای این کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. عراق به واسطه حضور گروه‌های شیعی و مرزهای خشکی طولانی با ایران دارای اهمیت بوده و سوریه نیز به واسطه پیوندهای سیاسی و دیپلماتیک خود با تهران از اهمیت زیادی بر جمهوری اسلامی برخوردار است. به علاوه این دو کشور از حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و حضور ایالات متحده در این دو کشور موجب احساس تهدید و نگرانی از سوی جمهوری اسلامی ایران است.

جمهوری اسلامی بر اساس رئالیسم ساختاری تلاش کرده است در برابر حضور ایالات متحده در این دو کشور متحد خود دست به بیشینه‌سازی قدرت بزند. این بیشینه‌سازی به چند طریق صورت گرفته است؛ نخست، جمهوری اسلامی با ایجاد و تقویت گروه‌های نیابتی در عراق و سوریه و همچنین افغانستان و یمن و لبنان تلاش کرده است تا ضمن ایجاد شبکه‌ای مؤثر ضمن بیشینه‌سازی قدرت خود و تضمین بقا، هزینه اقدام احتمالی ایالات متحده علیه خود را بالا ببرد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی پس از دوران رکود روابط خود را روسیه در دوران مدودوف تلاش کرده است در دوران پوتین با احساس تهدید مشترک هر دو کشور در برابر حضور ایالات متحده در خاورمیانه، با این کشور موازنه‌سازی کند. این پیوند سیاسی - نظامی در مداخله ایران و روسیه در سوریه برای حفظ اسد در قدرت تجلی افزایش مناسبات این دو کشور در خاورمیانه و به ویژه در سوریه است. به علاوه، سیاست بازسازی اقتصادی پوتین موجب شده است تسلیحات روسی زیادتری نسبت به گذشته توسط جمهوری اسلامی خریداری شود. خرید تجهیزات را می‌توان اقدامی در راستای بیشینه‌سازی قدرت نظامی ایران ارزیابی کرد.

افزایش و تقویت توان موشکی ایران نیز از دیگر راهبردهای منطقه‌ای این کشور در برابر حضور ایالات متحده در عراق و سوریه بوده است؛ بنابراین می‌توان اقدامات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در

برابر حضور ایالات متحده در خاورمیانه و به ویژه عراق و سوریه را بر اساس رئالیزم ساختاری بر مبنای منطق آنارشی، اصل بی‌اعتمادی و خودیاری و همچنین تضمین بقا مورد ارزیابی و بررسی قرار داد.



## منابع

- بشیریه، حسین. ۱۳۸۶. آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظریه تأسیسی). تهران: چاپ هشتم، نگاه معاصر.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۱). «نواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.» فصلنامه سیاست خارجی ۳۶ (۱): ۳۱-۵۴.
- عابدی اردکانی، محمد و امیرحسین عسکری. ۱۳۹۸. «واکاوی دلایل دیپلماسی تهاجمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۹۲).» فصلنامه سیاست ۴۹ (۲): ۴۳۱-۴۵۲.
- قوام، سید عبدالعلی. ۱۳۹۲. روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها. تهران: چاپ هفتم، سمت.
- مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۹۱. تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت، چاپ هفتم.
- Blair, David, and Richard Spencer. 2012. "Syria: Iran Vows It Will Not Allow Assad to Fall." *Telgraph*. <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/syria/9459321/Syria-Iran-vows-it-will-not-allow-Assad-to-fall.html>.
- CBS News. 2012. "Iran: We're in 'Axis of Resistance' with Syria," August 7, 2012. <https://www.cbsnews.com/news/iran-were-in-axis-of-resistance-with-syria/>.
- Frankel, Joseph, and Kenneth N. Waltz. 1980. "Theory of International Politics." *International Journal* 35 (3): 600. <https://doi.org/10.2307/40201892>.
- Freedman, Robert O. 2006. "P UTIN AND I RAN: A Changing Relationship." *The National Council for Eurasian and East European Research*.
- Garamone, Jim. 2014. "DoD Authorizes War on Terror Award for Inherent Resolve Ops." U.S Department of Defense. <http://www.defense.gov/News-Article-View/Article/603569>.
- Gilpin, Robert. 1981. *War and Change in World Politics*. Cambridge University Press. Cambridge.
- Goodarzi, Jubin M. 2013. "Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment." *Ortadogu Etutleri* 4 (2): 31-54.
- Griffiths, Martin. 1992. *REALISM, IDEALISM AND INTERNATIONAL POLITICS*. New York and London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203313084>.
- *IRAN'S PLAYBOOK: Deconstructing Tehran's Regional Strategy*. 2019. New York: THE SOUFAN CENTER.
- Itani, Faysal, and Nate Rosenblatt. 2018. "US Policy in Syria: A Seven-Year Reckoning, Rafik Hariri Center for the Middle East." *Atlantic Council*.
- Kozhanov, Nikolay. 2015. "Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations," 30.
- Mearsheimer, John J. 1994. "The False Promise of International Institutions." *International Security* 19 (3): 5. <https://doi.org/10.2307/2539078>.



- Mohseni, Payam, and Hussein Kalout. 2017. "Iran's Axis of Resistance Rises; How It's Forging a New Middle East." *Foreign Affairs*, January. <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2017-01-24/irans-axis-resistance-rises>.
- Ottaway, Marina. 2009. "Iraq: Without Consensus, Democracy Is Not the Answer," no. March. <http://carnegieendowment.org/files/PB36.ottaway.FINAL.pdf>.
- Papagianni, Katia. 2005. "Transitional Politics in Afghanistan and Iraq: Inclusion, Consultation, and Public Participation." *Development in Practice* 15 (6): 747-59. <https://doi.org/10.1080/09614520500296310>.
- Sofer, Ken, and Juliana Shafroth. 2013. "The Structure and Organization of the Syrian Opposition," 1-13.
- Sullivan, Marisa. 2014. "Middle East Security Report: Hezbollah in Syria." Institute for the Study of War 19. [http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Hezbollah\\_Sullivan\\_FINAL.pdf](http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Hezbollah_Sullivan_FINAL.pdf).
- Toft, Peter. 2005. "John J. Mearsheimer: An Offensive Realist between Geopolitics and Power." *Journal of International Relations and Development* 8 (4): 381-408. <https://doi.org/10.1057/palgrave.jird.1800065>.
- Waltz, Kenneth N. 1999. "Globalization and Governance." *PS - Political Science and Politics*. <https://doi.org/10.1017/S1049096500056535>.
- Waltz, Kenneth Neal. 1979. *Theory of International Politics*. New York: Random House. [https://books.google.de/books?lr=&id=OaMfAAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP2&ots=GL3nPe\\_LuQ&sig=sdmnTYFjiM5auwHVzvywERMPC8&hl=de#v=onepage&q&f=false](https://books.google.de/books?lr=&id=OaMfAAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP2&ots=GL3nPe_LuQ&sig=sdmnTYFjiM5auwHVzvywERMPC8&hl=de#v=onepage&q&f=false)  
[https://books.google.co.uk/books?id=OaMfAAAAQBAJ&printsec=frontcover#v=snippet&q=economic capability&f=false](https://books.google.co.uk/books?id=OaMfAAAAQBAJ&printsec=frontcover#v=snippet&q=economic%20capability&f=false).
- Yadin, Amos, and Avner Golov. 2013. "US Military Intervention in Syria : The Broad Strategic Purpose, Beyond Punitive Action," no. 459.